







جمهوری اسلامی ایران وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری سازمان سنجش آموزش کشور

## **آزمون ورودی دورههای دکتری (نیمهمتمرکز) ـ سال ۱۴۰۴** زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)

مدتزمان پاسخگویی: ۱۰۵ دقیقه

عصر پنجشنبه

14.4/11/.1

دفترچه شماره 3 از 3

تعداد سؤال: ۸۰ سؤال

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالها

تا شماره	از شماره	تعداد سؤال	مواد امتحاني	رديف
۳۵	١	۳۵	زبان عربی ـ کلیات ادبی (تاریخ ادبیات ـ دستور ـ عروض و قافیه ـ نقد و نظریههای ادبی معاصر)	١
۴۰	۳۶	۵	بلاغت	۲
٨٠	41	4+	متون نظم ــ متون نثر	٣

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

**مق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز میباشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می شود.** 

زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)

801A

\* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات کادر زیر، بهمنزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب ....... یکسانبودن شماره داوطلبی ....... با آگاهی کامل، یکسانبودن شماره صندلی خود با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کدکنترل درجشده بر روی جلد دفترچه سؤالات و پایین پاسخنامهام را تأیید مینمایم.

امضا:

زبان عربی ـ کلیات ادبی (تاریخ ادبیات ـ دستور ـ عروض و قافیه ـ نقد و نظریههای ادبی معاصر):

■ ■ عيّن الأصحّ و الأدقّ في الجواب عن الترجمة أو التعريب أو المفهوم و غيرها: (١-٨)

- ۱ ﴿ و جعلنا من الماء كلَّ شيءٍ حيًّ ﴾ عيّن الصحيح:
   ۱) و هر موجودی را از آب، زنده آفريديم!
   ۲) و هر موجودی را به وسيله آب، زنده آفريديم!
   ۳) و هر چيز زندهای را از آب قرار داديم!
   ۲ «كان كتّاب الدّواوين يوسّعون ثقافتهم ما استطاعوا، و اهتموا خاصّة بالثقّافة الفلسفية اهتمامًا قد عمّق
- «ال حاب الدواوين يواملون تعاشيهم ما المتصحور، ق الممور حاصة بالتعاقة العسعية المماما قد عمق أفكارهم!»:
- ۱) کاتبان دربار به اندازه توان خود، فرهنگ خویش را توسعه دادند و به گونهای که آراء و اندیشههایشان پربار گردد، به فرهنگ فلسفه نیز توجه داشتند!
- ۲) کاتبان حکومتی فرهنگ خویش را تا جایی که برایشان امکان داشت توسعه میدادند و مخصوصاً به فرهنگ فلسفی آنچنان توجه کردند که باعث عمیق شدن افکارشان شده بود!
- ۳) فرهنگ منشیان دیوان تا آنجا که امکان داشت توسعه یافت و آنها بهطور خاصّی به فرهنگ فلسفی اهتمام داشتند تا جایی که باعث ژرفنگری در افکار آنها شده بود!
- ٤) منشیان در دستگاه حکومتی به قدر استطاعت خویش فرهنگشان را گسترش میدادند، تا آنجا که نظرشان به فرهنگ فلسفی به قدری جلب شده بود که به تعمیق افکارشان انجامید!
- ٣- «إنّه كان مشغوفا بالقراءة فذلك جعل كتبه و رسائله أشبه ما تكون بدوائر معارف، فليس هناك نوع من أنواع الثقافة في عصره إلا و تسرّبت منه فروع إلى تأليفاته!»:
- ۱) او آنقدر شیفته مطالعه بود که کتابها و نامههای وی بیشتر شبیه دائرةالمعارفها شده است، و تمام انواع فرهنگ زمانهاش در آثار وی منعکس شده است!
- ۲) وی علاقه بسیار زیادی به خواندن داشت بنابراین نوشتههایش بیشتر مثل دائرةالمعارفها است تا کتاب، وهیچ گونهای از فرهنگ دوره وی نیست که در آثارش وجود نداشته باشد!
- ۳) علاقه زیادی که او به مطالعه داشت سبب شد تا آثار وی چون دائرةالمعارف شود، و هر آنچه در فرهنگ آن دوره وجودداشت و نیز زیرمجموعههای آنها به تألیفات وی نفوذ کرده است!
- ٤) او شیفته خواندن بود، همین امر کتابها و رسالههای وی را شبیهترین چیز به دائرةالمعارفهایی قرار داده است، پس هیچ نوع از فرهنگ زمان او وجود ندارد مگر آنکه شاخههایی از آن به نوشتههایش نفوذ کرده باشد!

صفحه ۳

زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)

	و ادبیات قارسی ( دد ۲۰۰۱ )	
- 2	« فآليت لا ينفكّ كشحي بطانة	لعضب رقيق الشفريّين مهنّدِ!»:
	۱) تصمیم گرفتم از پهلوی او کنار	نروم، گرچه شمشیر برّان تیز هندی بر فرقم کشند!
	۲) سوگند یاد میکنم که پهلویم ا	شمشیر برّان نازکلبهٔ هندی فاصله نگیرد!
	۳) اراده کردم که از همنشینی با	ر آزادهٔ باریکمیان هندی دست نکشم!
	٤) قسم میخورم شمشیر برّان ناز	البهٔ هندی مرا ترک نخواهد کرد!
-4	عيّن الخطأ:	
	<ol> <li>الما أتى الوادي لم ير عليه قنم</li> </ol>	رة و رأى الذئب قد أدركه؛: هنگامي كه كنار نهر آمد، پل روى آب
	را ندید، اما فهمید که گرگی با	او نزدیک شده است،
	٢) فألقى نفسه في الماء، و هو	يحسن السباحة؛: بس خود را در آب انداخت درحاليكه خوب از
	عهده شنا کردن بر نمیآمد؛	
	٣) و كاد يغرق لولا أن بصر إليا	قوم من أهل القرية؛: و اگر گروهی از مردم روستا او را نمیدیدند
	نزديک بود غرق شود؛	
	٤) فألقوا أنفسهم في الماء لإخرا.	ه، فأخرجوه و قد أشرف على الهلاك!: پس براى بيرون آوردن او
	خود را به آب انداختند و درحا	یکه در آستانه مرگ قرار گرفته بود، او را بیرون کشیدند!
_`	عيّن الآية تختلف مع الآيات الأخرو	في المفهوم:
	۱) ﴿ و ما رمیت إذا رمیت و لک	ن الله رمی که
	٢) ﴿ وعنده مفاتح الغيب لايعلمه	اِلّا هو ﴾
	٣) ﴿ إذا أراد الله شيئًا فإنَّما يقول	له کُن فیکون 🖗
	٤) ﴿ فمن يملك لكم من الله شبيًّا	ن أراد بكم ضرًّا﴾
_'	عيّن الصحيح:	
	«براساس منابع سنتی و طبق ش	واهد تاریخی، دیانت اسلام در طول قرون اولیه هجری به طریقی
	صلح آمیز و بیشتر از طریق تاجرار	به سرزمینهای دوردست راه یافته است»:
	<ol> <li>استنادًا إلى المصادر التقليدية</li> </ol>	و حسب الشواهد التاريخية فقد دخل الدين الإسلامي طيلة القرون
	الهجرية الأولى البلاد النائية بأ	للوب سلميّ و عن طريق التجار في الغالب.
	۲) على أساس المصادر التقليديا	و على حسب الشواهد التاريخية إنّ الدين إلاسلامي كان قد دخل
	البلاد البعيدة طوال القرون الأو	ية من الهجرة بسلم و بواسطة التجار غالبًا.
	٣) إنّ دين الإسلام قد ورد إلى ا	راضي البعيدة في طول القرون الأولية بمسالمة و بيد التجار و تدلّ
	على ذلك الأمر المصادر التقا	بية و المصادر التاريخية.
	٤) دين الإسلام دخل إلى الأراخ	ي النائية بواسطة التجار و بوجه سلمي طوال القرون الأولى من
	الهجرة.	

- <sup>A</sup> « نوشته هاى تاريخى عرب از عناصر بيگانه اى كه در ايجاد آن سهيم بوده است تأثير پذير فته، و ايس موضوع قابل انكار نيست!»: عيّن الصحيح:
   1) كتابات العرب التاريخيّة تأثّرت بعناصر أجنبيّة كانت مشاركة في نشأتها و هذا أمر لايُنكر!
   1) الكتابات التاريخيّة العربيّة أتَّرت على العناصر الأجنبيّة التي كانت مساهمة في إيجادها وهذا غير منكور!
   3) هناك عناصر في الكتابة للأعراب لم تخلق من عدم، بل الحضارات هي التي نمت و تطورت
- ٤) العناصر للكتابة للعرب لاتوجد من العدم، بل هناك حضارات غريبة نمّت تلك الحضارات و شاركت في تحوّلها!

العامة عيّن الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (٩-١١)

بسببها و هذا لاينكره أحد!

﴿ و اجعل لى وزيرًا من أهلى، هارون أخى. أشدد به أزري و أشركه في أمري﴾ هارون: اسم ممنوع من الصرف و بدل كلّ من كلّ تابع للمبدل منه « وزيرًا». ٢) أخ: من الأسماء الخمسة أو السّنة و عطف بيان و منصوب تقديرًا بالتبعية للمعطوف عليه « هارون» ـ ۳) وزیرًا: مفعول به لفعل « اجعل»، من أهل: جار و مجرور و شبه الجملة مفعول به ثان لفعل « اجعل» ٤) اشدد: فعل أمر \_ صحيح و مضاعف \_ جائز الإدغام و التفكيك، فاعله ضمير مستتر فيه وجوبًا ﴿ تقديره « أنت» ١٠ « و ما أنت إلا جيفة طال حولها قيام ضباع أو قعود ذئاب»: ۱) طال: فعل ماض و فاعله « قيام» والجملة فعلية و نعت و مرفوع محلًّا بالتبعية للمنعوت « جيفة» ۲) جيفة: مستثنى مفرّغ و مرفوع على أنّه بدل لخبر « أنت» بسبب بطلان عملها لانتقاض خبرها بـ « إلّا» ٣) أنت: اسم « ما» المشبهة بليس و مرفوع محلًّا، جيفة: خبر « ما» المفرد و منصوب ٤) قيام: مصدر و مادّته أجوف واوي (ق و م) و فاعله « ضباع» المجرور بالإضافة لفظًا ١١ - « و إني لتَعروني لذكراك هِزّةٌ كما انتفض العصفور بلله القطرُ»: تعرو: مضارع - للغائبة - معتل و ناقص (له الإعلال بالإسكان) - متعدٍّ/ فعل مرفوع تقديرًا، فاعله « هزة» و الجملة فعلية و خبر « إنّ» و مرفوع محلًا ٢) نكري: اسم \_ مفرد \_ مؤنث \_ جامد و مصدر \_ معرّف بالإضافة \_ معرب \_ مقصور \_ ممنوع من الصرف/ مجرور تقديرا بحرف الجرّ؛ لذكرى: جار و مجرور ۳) انتفض: ماض \_ مزید ثلاثی من باب افتعال \_ صحیح و سالم \_ لازم/ فعل و فاعله «العصفور» و الجملة فعلية و مصدر مؤوّل ٤) ما (كما): اسم غيرمتصرف ـ موصول عام (لغير ذوي العقول) ـ معرفة ـ مبني على السكون/ مجرور محلًّا بحرف الجرّ ؛ كما: جار و مجرور

801A

■ ■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية: (١٢–١٥)

	مسندالیه در بیت زیر، چه ویژگیای دارد؟	-18
هــم ســوی تــو بــه دیــدهٔ احــول کنــد نظــر»	«بینــد فلــک نظیــر تــو لــیکن بــه شــرط آنــک	
۲) حذف شده است.	۱) معطوف به حرف شرط است.	
۴) نکره است.	۳) مقدم است.	
	مسند در بیت زیر، چه ویژگیای دارد؟	-19
مــــــوی پژولیـــــده و ناشســــــــــــــــــــــــــــــــــــ	«صــــبح گهــــان بــــاز در آمــــد زکــــوی	
۲) مقید به قید حالت است.	۱) مقید به قید زمان است.	
۴) مقید به قید زمان و حالت است.	۳) نکره است.	
است؟	در کدام مورد، نقش جمله مؤول با دیگر موارد متفاوت	-4.
کــــه نفــــع تــــو جویــــد در آزار خلــــق	۱) بدانــــدیش تســــت آن و خونخــــوار خلــــق	
کیســـــت کـــــز پیــــل مســــت نگریـــــزد	۲) شــــیر در وقــــت خنــــده خــــون ریــــزد	
کــــه کــــردار خــــویش از تــــو دارد نهـــان	۳) چنـــين اســـت آيــين و رســـم جهــان	
وینــــــت مشـــــکل کــــــه مــــــن از وی دورم	۴) دوســت نزدیــکـتــر از مــن بــه مـــن اســت	
ىگىرند؟	کدام دسته از شاعران زیر، در گروه نازکخیالان قرار م	-21
ال اسیر	۱) بیدل دهلوی _ ارادت واضح _ وحشی بافقی _ میرجلا	
ری ترشیزی	۲) صائب تبریزی ـ طالب آملی ـ قدسی مشهدی ـ ظهور	
کلیم کاشانی	۳) زلالی خوانساری _ شوکت بخاری _ صائب تبریزی _ 5	
یم کاشانی	۴) بیدل دهلوی ـ غنیمت کشمیری ـ جویا تبریزی ـ کل	
در شعر خود آورده است؟	کدامیک از شاعران معاصر، مفهوم بیت زیر از مولانا را	-22
گــــر دلیلــــت بایــــد از وی رخ متــــاب»	«آفتـــــاب آمــــد دليــــل آفتــــاب	
۲) مهدی اخوان ثالث در شعر شهریار شهر سنگستان	۱) احمد شاملو در شعر با چشمها	
۴) سیاوش کسرایی در شعر آرش کمانگیر	۳) سهراب سپهری در شعر مسافر	
بی دانست که در آن، لغات مغولی آمده است؟	از بین گزینههای زیر، کدامیک را می توان نخستین کتا	-۲۳
۲) طبقات ناصري تأليف منهاج السراج	۱) تاریخ بناکتی تألیف فخر بناکتی	
۴) مجمعالانساب تألیف محمد بن علی شبانکاره	٣) نظام التواريخ تأليف ناصرالدين البيضاوي	
	این عبارت علامه قزوینی، درباره کدام کتاب است؟	-74
لم عروض و علم قوافی و علم نقد الشعر و به جرأت میتوان		
	گفت که از ابتدای تدوین علوم به زبان پارسی هیچ کتابی	
۲) فنون بلاغت و صناعات ادبی	۱) ابدع البدايع	
۴) حدایق السحر فی دقایق الشعر	٣) المعجم في معايير اشعار العجم	
	نخستین نمایشنامهنویس ایرانی که به زبان فارسی نمای	-20
۲) مؤید الممالک فکری	۱) آخوند زاده	
۴) علىخان ظهيرالدوله	۳) میرزا آقا تبریزی	
	وزن بیت زیر چیست؟	-77
شدم خـاک آن پـایی کـز پـیش سـر بـود او»	«مــن از مــادری زادم کــه پــارم پــدر بــود او	
٢) مفاعلين فعولن // مفاعلين فعولن	۱) فعولن فعولن فع // فعولن فعولن فع	
۴) مفاعیل فعولن فع // مفاعیل فعولن فع	<ul> <li>۳) مفاعلین فعولن فع // مفاعلین فعولن فع</li> </ul>	

801A

صفحه ۷	<b>801</b> A	ن و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱) 🗛	زبان
		<ul> <li>وزن کدام مورد، بهدرستی بیان شده است؟</li> </ul>	۲۷
	ئلم	۱) ای کوه ای بند ضحاک آیا به یادت هست: مجتث اث	
	ب ازل	۲) در لجهٔ سرگردانی چون گوی شناور بودم: هزج اخر،	
	ی: رجز مرفل مطوی	۳) دوباره میسازمت وطن اگرچه با خشت جان خویش	
•	رع اخرب مكفوف مجبوب	۴) ای پرده برگرفته ز رخ میبینمت به پرده دری: مضا	
		<ul> <li>وزن اصلی این بیت چیست؟</li> </ul>	17
مرغــانِ چمــن در طــرب اســت»	نه، که از نالــهٔ ه	«جنــبشِ ســرو تــو پنــداری کــز بــادِ صباســت؟	
للات فاعلاتن	٢) فعلات فاعلاتن فع	۱) فاعلاتن فعلاتن مفعولن فعلن	
ملاتن فعلن	۴) فاعلاتن فعلاتن ف	٣) فاعلاتُ مفعولن فاعلاتُ مفعولن	
ی انتخاب شدهاند، از منظر قواعد	های مشهور کلیات سعد:	<ul> <li>در این بیتها که از یک قصیدهٔ واحد بر مبنای چاپ</li> </ul>	-79
		قافیه، قافیهٔ کدام بیت <mark>نادرست</mark> است؟	
ايـــن پـــنج روزِ فــانی نيســت	پــس اعتمــاد بــر	۱) خوش اسـت عمـر دریغـا کـه جـاودانی نیسـت	
بش نکبتــی خزانــی نیســت	کـــه بـــاز در عقـــ	۲) کــــدام بــــاد بهــــاری وزيــــد در آفــــاق	
انـــدر جهـــان زيـــانی نیســـت	کــه از زبــان بَتَــر	۳) نگــاه دار زبــان تــا بـــه دوزخـــت نبــرد	
مِـــز فـــيضِ آســـمانی نیســـت	ســــپاس دار کـــه ج	۴) زمـین بـه تیـغ بلاغـت گرفتـهای سـعدی!	
	یه شوند؟	<ul> <li>از نظر شعرای قدیم، کدام دو کلمه نمی تواند با هم قاف</li> </ul>	- 34
	۲) سیب _ کتیب	۱) کور – زور	
	۴) پور _ سرور	۳) بدید _ لذیذ	
		<ul> <li>- شعر زیر، به کدام مکتب / جنبش ادبی تعلق نزدیک تر</li> </ul>	-31
یــک شـــاخهٔ ســـیاه خـــیس»	گلبـــرگهــایی بــر	«در ایستگاه مترو: منظره این صورتها در ازدحـام جمعیـت	
	۲) اکسپرسيونيسم	۱) دادائیسم	
	۴) ایماژیسم	۳) سوررئالیسم	
	<b>ینایی در دال نیست</b> ؟	<ul> <li>از منظر نشانه شناسی، کدام مورد دارای انگیختگی مع</li> </ul>	- 37
ود روزی گلســـتان غــــممخــور	کلبــــهٔ احـــزان شــ	۱) یوسف گمگشـته بازاًیـد بـه کنعـان غـم مخـور	
ای مرغ خوشخوان غممخور	چتر گل در سرکشـی	۲) گـر بهـار عمـر باشـد بـاز بـر تخــت چمــن	
شد حال دوران غم مخور	دائمـــاً يكســـان نباش	۳) دور گـردون گـر دو روزی بـر مـراد مـا نرفـت	
ـت کشـتيبان زطوفـان غـممخـور	چـون تـو را نـوح اسـ	۴) ای دل ار ســـیل فنـــا بنیــاد هســـتی برکنـــد	
اخودآگاه بهشمار میرود؟	بانی سازوکارهای ضمیر ن	<ul> <li>براساس کدام نوع نقد، استعاره و مجاز مرسل جزو بنب</li> </ul>	٣٣
۴) ساختاری	۳) فرمالیستی	<ol> <li>۲) کهن الگویی</li> <li>۲) لاکانی</li> </ol>	
	یہ است؟	<ul> <li>کدام متفکر منتقد ادبی، تحت تأثیر آرای سوسور نبود</li> </ul>	۳۴
Ĺ	۲) کلودلوی استراوس	۱) ولاديمير پراپ	
	۴) چارلز سندرس پي	۳) جاناتان کالر	
		<ul> <li>براساس نظریه نقشهای زبانی رومن یاکوبسن در بیت</li> </ul>	۳۵
		«حــد قــدم مپــرس کــه هرگــز نیامــده اســت	
	۲) ادبی، فرازبانی و ع	۱) ادبی، ترغیبی و ارجاعی	
ا ترغیبی	۴) ارجاعی، عاطفی و	۳) ترغیبی، ادبی و عاطفی	

```
Telegram: @uni_k
```

()

بلاغت:

801A

## متون نظم ـ متون نثر:



Telegram: @uni\_k

801A

تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی» میکشد مکتوب خاکستر پر پروانهات سفید ناشده سهل است پیرهن گوید قرب شه خواهی زعالم چشم چون شهباز بند شعله بهر خوردن خاشاک یکسر اشتهاست

یسار او شرو پیش او انداز سر» ۲) سالکان مجذوب ۴) پیران به یار رسیده

زشرم لفظم گهر رخت سوی کان برد به کعبه اندر بتان هیچ مسلمان برد؟ کسی گهر بهر سود باز به عمان برد؟ والله اگر عاشق این به کهفروشان برد (۳ به

خرگــه مـاه از او شـود خلـدوش از منـوری» ۲) ورود خورشید به برج سلطان، اوج قمر ۴) آغاز فصل تابستان

وَجَــدتَ رائِحَـــهٔ الـــوُدَّ إِن شَـــمَمتَ رُفــاتی مَعـــی أبــَــداً تَبقـــی و إن بلـــی العَظــــم بنفشـــهزار شـــود تـــربتم چـــو در گـــذرم کـه آتشــی کـه نمیـرد همیشــه در دل ماســت

- ۴۲ مفهوم کدام مورد به مفهوم بیت زیر، نزدیک تر است؟
  «من این حروف نوشتم چنان که غیر ندانست
  ۱) تا کجا روشن بود کیفیت اسرار عشق
  ۲) به عشق عین طلب شو که دیدهٔ یعقوب
  ۳) وصل حق بیدل نظر بر بستن است از ماسوی
  ۴) عاقبت نقش دو عالم پاک خواهد کرد عشق
  - ۴۳- کدام مورد، توصیف دقیق تر بیت زیر است؟ «هـر کـه را بینـی طلبکـار ای پسـر ۱) جویندگان حقیقت ۳) مجذوبان سالک
- ۴۴- مفهوم کدام مورد، با موارد دیگر متفاوت است؟
  الف زعکس طبعم بهار جلوهٔ بستان دهد
  ب به مسجد اندر سگان هیچ خردمند بست
  ج نظم گهر گیر تو گفتهٔ خود سربهسر
  د کس این سخن بهر لاف سوی عراق آورد؟
  ۱) «ج»
  - ۴۵- در بیت زیر، به کدام مورد اشاره شده است؟ «بنگه تیر از او شرود روضهصفت به ترازگی ۱) ورود شمس به برج دو پیکر، اوج عطارد ۳) آغاز طراوت بهار
  - ۴۶ معنی «فتح باب» در کدام مورد متفاوت است؟
    ۱) آخــر از فــتح بـاب صـحت داد
    ۲) بردمانــد زشـعلهٔ آتــش (۲
    ۳) در صـحبت بـه روی خلـق ببنـد
    ۴) هـر کجـا خشکسـال عافيـت اسـت
  - ۴۷- مفهوم اصلی کدام بیت، با ابیات دیگر متفاوت است؟
    ۱) نه پنج روزهٔ عمر است عشق روی تو ما را
    ۲) و عنددی منها نشوق قبال نشواتی
    ۳) چنین که در دل من داغ زلف سرکش توست
    ۴) از آن بهدید مغانم عزید می دارند
  - ۴۸ معنی نقش در کدام بیت متفاوت است؟
    ۱) ای نقــــش زیــــاد طــــالع مــــن
    ۲) ز نقـشهـای غریـب آنچـه جـام جـم دارد
    ۳) بلنــدنامی غربــت زیــاده از وطــن اســت
    ۴) چون آینه است عالم نقـش کمـال عشـق اسـت

ربان و	و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)	801 صفحه ۱۰
-49	گویندهٔ ابیات زیر، با توجه به تلمیح تاریخی آن	٩
	«منــــت خـــدای را کـــه بـــهفـــر خـــدایگ	مـــن بنـــده بـــىگنـــه نشــدم كشـــته رايگــان
	منـــت خــدای را کــه بــه جــانم نکــرد قصـ	تیــری کــه شــه بــهقصــد نینــداخت از کمــان»
	۱) غضایری ۲) ازرقی	۳) امیر معزی ۴) عسجدی
-۵۰	مفهوم بیت زیر از انوری، در کدام مورد آمده اس	
	«گنج اَتسز گنج قارون بود اگـر نـی کـی شـد	از یکــی منحــول چنــدان کــم بهـا را مشــتری»
	۱) بیارزش بودن مشتریان فقیر در بازار	۲) وجود فاصلهٔ زیاد بین اغنیا و فقرا
	۳) موقتّی و بیثبات بودن ثروت مادی انسان	۴) انتقاد از پادشاه به علّت حمایت از شاعران کممایه
-01	شاعر در بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید م <i>یک</i> ند؟	
	«هســــــــــــــــــــــــــــــــــــ	نطــــــق تشـــــبيه و خامشــــــى تعطيــــل»
	۱) ردّ نظریهٔ مشبّهه و معطّله دربارهٔ توصیف خداو	۲) امکان استدلال اثبات خداوند
	۳) ردّ نظریهٔ منزهّه دربارهٔ خداوند	۴) امکان توصیف خداوند
-52	کدام مورد، با معنی ابیات زیر، نزدیکی بیشتری	
	«دزی ســــرش بــــر اوج رخشــــنده مهـــ	ره پــــــرخمش نردبــــان ســـــــپهر
	ز بــــالاش گفتــــی کــــه در ژرف چـــ	فلـــک چشـــمه و چشـــم مـــاهی اســـت مـــاه»
	۱) در بالای آن برج خورشید که چشمهٔ فلک اسه	رج حوت مانند چشم ماهی به نظر میرسید.
	۲) وقتی به بالای برج میرفتی انگار در چاه ژرفی هست	سمان به نظرت مثل چشمه است و برج حوت شبیه چشم ماهی
	۳) بلندی برج آسمان را چشمه چشمه و سوراخ	بود و ماه را همچون چشم ماهی که بسته نمیشود خیره
	ومات كرده بود.	
		یون چشمهای در چاهی ژرف به نظر میرسید و ماه مثل
	چشم ماهی بود در آن چشمه	
۵۳_	بیت زیر، با کدام مورد، نزدیکی معنایی بیشتری	
۵۳_	« اذا رَجُــــوتَ المســـــتحيلَ فانّمــــ	
- <b>۵۳</b>	« <b>اذا رَجُــــوتَ المســـــتحیلَ فانّمــــ</b> ۱) صـــبر مـــا از دوســـتان نــــاممکن اســـ	آشـــــكارا و نهــــان نـــــاممكن اســــت
- <b>۵۳</b>	« <b>اذا رَجُــــوتَ المســــتحیلَ فانّمــــ</b> ۱) صـــبر مـــا از دوســـتان نـــاممکن اســـ ۲) ز هـر جـایی کـه پرسـیدم دوای درد دل گف	تُبنَــــــى الامــــورَ علـــــى شــــفيرٍ هــــارٍ» آشـــــكارا و نهـــــان نــــــاممكن اســــت الا تــــا حلقــــه اقبـــال نــــاممكن نجنبـــانى
-۵۳	« اذا رَجُ وِتَ المسـتحیلَ فانّمــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	آشـــــكارا و نهــــان نـــــاممكن اســــت
-۵۳	« <b>اذا رَجُــــوتَ المســــتحیلَ فانّمــــ</b> ۱) صـــبر مـــا از دوســـتان نـــاممکن اســـ ۲) ز هـر جـایی کـه پرسـیدم دوای درد دل گف	آشـــــكارا و نهــــان نـــــاممكن اســــت الا تــــا حلقــــه اقبـــال نــــاممكن نجنبـــاني
	« اذا رَجُ وتَ المس تحیلَ فانّم <ol> <li>۱) صبر ما از دوستان ناممکن اس</li> <li>۲) ز هر جایی که پرسیدم دوای درد دل گفتا</li> <li>۳) کش تگان سموم قهر ر ت</li> <li>۹) گر کسی را طاقت تسلیم نیس</li> <li>۴ بیت زیر، توصیف کدام گروه است؟</li> </ol>	آشـــــكارا و نهـــــان نــــــاممكن اســــتُ الا تــــا حلقــــه اقبــــال نــــاممكن نجنبـــانى حشــــر نـــــاممكن اســــت روز قيــــام از قضــا كــردن كــران نـــا ممكـــن اســـت
	« اذا رَجُ وتَ المس تحیلَ فانّم <ol> <li>۱) صبر ما از دوستان ناممکن اس</li> <li>۲) ز هر جایی که پرسیدم دوای درد دل گفت</li> <li>۳) کش تگان سموم قه ر ت</li> <li>۴) گر کسی را طاقت تسلیم نیس</li> </ol>	آشـــــكارا و نهـــــان نــــــاممكن اســــتُ الا تــــا حلقــــه اقبــــال نــــاممكن نجنبـــانى حشـــــر نـــــاممكن اســــت روز قيــــام
	« اذا رَجُ وتَ المس تحیلَ فانّم <ol> <li>۱) صبر ما از دوستان ناممکن اس</li> <li>۲) ز هر جایی که پرسیدم دوای درد دل گفتا</li> <li>۳) کش تگان سموم قهر ر ت</li> <li>۹) گر کسی را طاقت تسلیم نیس</li> <li>۴ بیت زیر، توصیف کدام گروه است؟</li> </ol>	آشــــكارا و نهــــان نـــــاممكن اســــت الا تـــا حلقـــه اقبـــال نـــاممكن نجنبــانى حشـــر نــــاممكن اســـت روز قيـــام از قضــا كــردن كــران نــا ممكــن اســت
- <b>۵</b> ۴	«اذا رَجُ وتَ المس تحیلَ فانّم <ol> <li>(۱) صبر ما از دوستان ناممکن اس</li> <li>(۲) ز هر جایی که پرسیدم دوای درد دل گفتا</li> <li>(۳) کشتگان سموم قهر ر ت</li> <li>(۳) کشتگان سموم قهر ر ت</li> <li>(۳) کشر کسی را طاقت تسایم نیس</li> <li>(۳) گروه است؟</li> <li>(۳) پشمینه پوشان زردوست</li> <li>(۳) دارایان زاهد</li> </ol>	آشــــكارا و نهـــان نــــاممكن اســـت الا تــا حلقـــه اقبــال نـــاممكن نجنبــانی حشـــر نـــاممكن اســت روز قیــام از قضـا كــردن كــران نــا ممكــن اســت از قضـا كــردن كـران نــا ممكــن اســت از قضـا كـردن كـران نـا ممكــن اســت از قضـا كـردن كـران نــا ممكــن اســت از قضـا كـردن كـران نــا ممكــن اســت از قضـا كـردن كـران نــا ممكــن اســت از قضـا كـردن كـران محكــن اســـت از قضـا كـردوستان بهظاهر زاهد
- <b>۵</b> ۴	<ul> <li>« اذا رَجُ وتَ المس تحیل فانّم</li> <li>۱) صبر ما از دوستان ناممکن اس</li> <li>۲) ز هر جایی که پرسیدم دوای درد دل گفتا</li> <li>۳) کشتگان سموم قهر ر ت</li> <li>۴) گر کسی را طاقت تسلیم نیس</li> <li>۴) گرد کسی را طاقت تسلیم نیس</li> <li>۳) کشد که در زرکش سلطان ب</li> <li>۱) پشمینه پوشان زردوست</li> <li>۳) دارایان زاهد</li> </ul>	آشــــكارا و نهـــان نــــاممكن اســـت الا تــا حلقــه اقبــال نــاممكن نجنبـانی حشــر نــاممكن اســت روز قیــام از قضـا كـردن كـران نـا ممكــن اسـت از قضـا كـردن كـران نـا ممكــن اسـت از قضـا كردن كـران نـا ممكـن اسـت امحت ممكن است؟
- <b>۵</b> ۴	«اذا رَجُ وتَ المس تحیلَ فانّم <ol> <li>(۱) صبر ما از دوستان ناممکن اس</li> <li>(۲) ز هر جایی که پرسیدم دوای درد دل گفتا</li> <li>(۳) کشتگان سموم قهر ر ت</li> <li>(۳) کشتگان سموم قهر ر ت</li> <li>(۳) کشر کسی را طاقت تسایم نیس</li> <li>(۳) گروه است؟</li> <li>(۳) پشمینه پوشان زردوست</li> <li>(۳) دارایان زاهد</li> </ol>	آشــــكارا و نهـــان نــــاممكن اســـت الا تــا حلقــه اقبــال نــاممكن نجنبــانى حشــر نـــاممكن اســت روز قيــام از قضـا كـردن كـران نــا ممكــن اسـت قصـــهٔ زنبيــل و ســليمان بــود» ۲) زاهدان دربارى ۴) زردوستان بهظاهر زاهد ۱ست؟ كـان <u>گـوهر</u> تمـام عيـار ارزد ايـن بهـا (فقـر)
- <b>۵</b> ۴	<ul> <li>« اذا رَجُ وتَ المس تحیل فانّم</li> <li>۱) صبر ما از دوستان ناممکن اس</li> <li>۲) ز هر جایی که پرسیدم دوای درد دل گفتا (۲) ز هر جایی که پرسیدم دوای درد دل گفتا (۳) کشتگان سرموم قهر آنها (۳) کشتگان سرموم قهر (۳) گروه است؟</li> <li>۲) گر کسی را طاقت تسایم نیسیان (۲) پشمینه پوشان زردوست</li> <li>۱) پشمینه پوشان زردوست</li> <li>۳) دارایان زاهد</li> <li>۳) دارایان زاهد</li> <li>۱) دنیا به عرض فقر بده وقت «من یزی (۲) در دل منان (۲) در دل منان (۲) در دار دار دار دار دار دار دار دار دار</li></ul>	آشــــكارا و نهـــان نــــاممكن اســـت الا تــا حلقــه اقبــال نــاممكن نجنبــانی حشــر نـــاممكن اســت روز قیــام از قضـا كـردن كـران نــا ممكــن اسـت قصــه <b>زنبیـل و ســلیمان بــود</b> » ۲) زاهدان درباری ۴) زردوستان بهظاهر زاهد ۴) زردوستان بهطاهر زاهد ۲ـان <u>گـوهر</u> تمـام عیـار ارزد ایـن بهـا (فقـر) بتخانــه سـاختن ز <u>نظرگـاه پادشـا</u> (چشـم)
- <b>۵</b> ۴	<ul> <li>« اذا رَجُ وتَ المس تحیل فانّم</li> <li>۱) صبر ما از دوستان ناممکن اس</li> <li>۲) ز هر جایی که پرسیدم دوای درد دل گفتا</li> <li>۳) کشتگان سموم قهر ر ت</li> <li>۴) گر کسی را طاقت تسایم نیس</li> <li>۴) گر کسی را طاقت تسایم نیس</li> <li>۳) کشد که در زرکش سلطان ب</li> <li>۱) پشمینه پوشان زردوست</li> <li>۳) دارایان زاهد</li> <li>۳) دارایان زاهد</li> <li>۱) دنیا به عرض فقر بده وقت «من یزی</li> </ul>	آشــــكارا و نهـــان نــــاممكن اســـت الا تــا حلقــه اقبــال نــاممكن نجنبــانى حشــر نـــاممكن اســت روز قيــام از قضـا كـردن كـران نــا ممكــن اسـت قصـــهٔ زنبيــل و ســليمان بــود» ۲) زاهدان دربارى ۴) زردوستان بهظاهر زاهد ۱ست؟ كـان <u>گـوهر</u> تمـام عيـار ارزد ايـن بهـا (فقـر)

صفحه ۱۱	801A	بان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)
	شتری دارد؟	<b>۵- بیت زیر، با کدام بیت، قرابت مفهومی بی</b>
ـاد قابــل دانــه گــوهر مــىشــود		« زان رخ گلگون عرق یاقوت احمر ه
یای گوهرخیز عنبر می شود		۱) ســبزه زنگـار در تيـغ تــو جــوهر
گ چــون گردانــد شــبنم مــىشـود		۲) گلشــن حســن از بهـار عشـق خــرم
ــل برآيــد ابــر نيســان مـــىشــوه		۳) جان ز ترک جسم چون گوهر فروزان
ـــى قـــانع بـــه كــوثر مـــىشــود		۴) پیش بلبل جای گل هرگز نمی <i>گ</i> ی
	ےخورد <u>؟</u>	۵- در کدام مورد، باور عامیانهای بهچشم <u>نم</u>
سین است و نهنگی زیـر خفتـاش		) چو بیژن داری اندر چه مخسب افراس
ئے پرکےژدم اسےت صےحن سےرای	ے جہان مخـور کـرفس ک	۲) مساز عـیش کـه نـامردم اسـت طب
فع پیچان چه کنم	ب اســـت دفــــع ايــــن اف	۳) فلـــک افعـــی تـــن زمـــرد ســـا
شــم و چــراغ انجمــن بگريســتي	چشـم درد تــا بــر ایــن چا	۴) کاشکی خورشید را زین غم نبودی
	است؟	۵− مفهوم کدام بیت، با ابیات دیگر متفاوت
حبـــت نـــه ایـــن زمــان انـــداخت	فــت بــود زمانـــه طـــرح مـ	الف _ نبود رنگ دوعـالم کـه نقـش ال
زلـــش در مـــی مغـــان انـــداخت	ابسی بسود کسه بخشیش ا	ب ــ مگر گشــایش حــافظ در ایــن خر
ــــانم در ایـــــن و آن انـــــداخت	ین پیش هـــوای مغبچگ	ج ــ من از ورع می و مطرب ندیدمی ز
خـــود نمـــی تـــوان انـــداخت	ــىشــويم نصــــيبهٔ ازل از ·	د ۔ کنون بــه آب مــیلعــل خرقــه م
4) «J»	۳) «ج»	۱) «الف» ۲) «ب»
		۵- مفهوم بیت زیر چیست؟
ــــاهان را ز تــــاج هدهــــدان›	ته بــــدان تــــاج شـ	«بانــــگ بررســـــــــــــــــــــــــــــــــــ
علما بر نادانان		<ol> <li>دانستن حال افراد مختلف از ظاهر آنه</li> </ol>
سوفیان حقیقی و مدعیان	دای مدعیان ۴) دانستن فرق ص	۳) دانستن تفاوت منشأ صدای وحی و ص
	-	۲- کدام مورد، متن زیر را کامل میکند؟
ـه جــو چــو زر گــوهر شــدهســت›	ــدەســـت نــه از آن كـ	«در تـــرازو جـــو رفيـــق زر شـ
		بنابراين
ب سنخیت نمیشود.		۱) تغییر در ذات ممکن است.
بر ممکن نشود.		۳) همنشین ارزشمند، ارزشمندت میکن
. ( 1		معنى كدام گزينه، با عبارت زير، نزديكي
ستاد انگستها مانند اصابع مدری		«ورم در حال به رسم استغفار در قدم ا د هنه داند مکفر میر بنجه و به ما و
بناء الخب		برهنه ماند وکف چون پنجه مریمی عاری ۱) پاهایم ورم کرد و درد گرفت و انگشتا
_		۲) پهايم ورم کرک و کرک و کرک و انگستا ۲) دشمن برای استغفار به پای من افتاد
برابو کلی ایکست انگیند جو ج		(نوشتن عليه من) برهنه شد و دستش
یستاده بود.انگشتانم را از زیور انگشتر		(توسطی طبیه این) براید است و مستد ۳) پاهایم باد کرده بود اما درد از من د
		برهنه کردم و دستم را مانند پنجه ح
' بناه محالی ال محالی ا		

۴) و آن گروه برای عذرخواهی به پای من افتادند و به خواست من بعد از عذرخواهی سرپا ایستادند. انگشت آنها مانند چوب خلال از هر توطئهای خشک شد و دستشان مانند گل مریم ازهمه چیز برهنه شد.

801A صفحه ۱۲ زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱) ۶۲ کدام مورد، متن زیر را تکمیل می کند؟ و قُـربُ البحرر محمدورُ العواقب» «و مَــا السـلطان الّـا البحـرُ عُظمـاً چرا که ..... هرکه بر درگاه ملوک از عملی که مقلد آن بودهست معزول گشته یا به دشمن سلطان التجا یافته نشاید فرمود یادشاه را در فرستادن او به جانب خصم. ۲) تربیت یادشاه بر قدر منفعت باید که در صلاح ملک از هر یک بیند چه اگر بیهنران خدمت اسلاف را وسیلت سعادت سازند خلل به کارها راه یابد. ۳) پادشاه بر اطلاق اهل فضل را به کمال کرامات مخصوص نگرداند لکن اقبال بر نزدیکان خود فرماید که به وسایل و قبول محترم باشند. ۴) یکی از سکرات ملک آن است که همیشه خائنان را به جمال رضا آراسته دارد و ناصحان را به وبال سخط مأخوذ. **۶۳**- کدام گزینه درست است؟ ۱) آنکه چون گنج قارون خاک خورد شود، به مرور به فراموشی سپرده شده است. ۲) آنکه مواضع حقوق را به امساک نامرعی گذارد، قناعت پیشهای خرسند است. ۳) چون اتفاق در نتیجهٔ کارها معتبر است نه استحقاق، کارهای خلایق به خلاف آن بر انواع مختلف و فنون متفاوت رود. ۴) آنکه به تمویه اصحاب غرض روی به امضای حکم آورد بی ایضاح بیّنت عزیمت را در اقامت حدود جاری نمی کند. «صحبت اشرار مایهٔ شقاوت است و مخالطت اخیار کیمیای سعادت» و مثل آن چون ........... -94 گل دورویی است که هر کرا همت وصلت آن باشد دستهاش به خار مجروح گردد. ۲) تربیت مار است که مارگیر اگرچه در تعهد وی بسیار رنج برد آخر خوشتر روزی دندانی بدو نماید. ۳) انگشت است که آلت قبض و بسط است و چون مار بر آن بگزد و مشقت مباینت آن را عین راحت شمرند. ۴) باد سحری است که اگر بر ریاحین بزد نسیم آن به دماغ رسد و اگر بر پارگین گذرد از بوی آن حکایت کند. مناسب ترین گزینه برای تکمیل عبارت زیر، کدام است؟ -95 «من از راه تفادی آخر ما فی الجعبه برو خواندم و او از سر رجوع از تمادی ......... بر من خواند و زمام مراد از قبضه عناد به من داد.» ۲) أعطَيت القَوس باريَها ١) دونَه بَيضُ الأنوق ۴) ليسَ في البيت سوى البَيت ۳) حظٍّ جَزيلٌ بينَ شدقَى ضَيغَم **۶۶-** مفهوم مشخص شده برای هر عبارت، در کدام گزینه، درست است؟ کوه دامن پیراهن گازری تا کمرگاه درنوردید: جز اندکی برف بر قله، باقی ذوب شد. ۲) خُلالات تُغور از بن دندان برکند: هر مشکلی را که در مرزها بود از بین برد. ۳) سیرالسحاب تَحْثُه ریحُالجنوب میراندم: با اکراه و کندی حرکت میکردم. ۴) جوهر شبافروز با شبه درآمیخت: خورشید غروب کرد و شب شد. **۶۷** ادامه متن زیر، کدام مورد است؟ «چهرهٔ جمال حقیقت را برقع تعزز فروگذارید»؛ بنابراین ............. ۲) یوشش غیرت حضرت حق بر حقیقت زنید. جمال حقیقی حضرت دوست را عزیز بدارید. ۳) مقابل یگانه حقیقت هستی تکبر نداشته باشید. ۴) برابر حضرت احدیت از عزت و بقای خود دست بشویید.

صفحه ۱۳

<ul> <li>۶- کدام گزیند، با معنی عبارت زیر، نزدیکی بیشتری دارد؟</li> <li>«اگرچه موارد راحات به جراحات ضمیر مکدر بود و چهره مورد آمال به خدشات احوال احداث مغبر، فی اهنا شرب و اوراه روزار گذراند.»</li> <li>۹) مرچند بارها اسایش او به سبب اندوه درون به هم خورده بود و صورتش مورد ضربههای بسیار قرار گرفته و خدشدان شده بود و احوال جوانی او گری کنه شده بود، با نوشیدن شراب روزگار خود را سپری می کرد.</li> <li>۳) مرچند بارها اسایش او به سبب اندوه درون، آنقد که دست بر سینه خود زده بود که مجروح شده بود و حوارتش که مثل کرد.</li> <li>۳) مرچند گارهای مورد به سبب اندوه درون شایه در ایشخوری گزارنده روزگار گذراند.</li> <li>۳) مرچند گارهای مورد به سبب اندوه درون تریه به نظرش می آمد و برک گل سرخ آرزوهایش به سبب آسیبهای بیایی پریر شده بود، با معنی می کرد.</li> <li>۳) مرچند گارهای مورد به سبب اندوه درون شایه به نظرش می آمد و برک گل سرخ آرزوهایش به سبب آسیبهای در گزارند.</li> <li>۳) مرچند گارهای مورد به سبب اندوه درون گزاراند شده بود با به می قرار و زار زیرا روزگار گذراید.</li> <li>۳) مرچند آیمخورهای آرامش به زخم درون گزاراند شده به بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی خوادت پیایی درج شده بود. در بیایت عمارت زیر مناسب است؟</li> <li>۳) مرچند آیمد براین ایم قریز مو آن را به الماینهایم پرورش گوناگون می دهند تا آینه می شود.</li> <li>۳) مرچند آیمد راین عمارت بازی رماند به درم و ترج»</li> <li>۳) ده طاق عدان رزیم ناین به تمریم و ترج»</li> <li>۳) ده طاق عدان تریم مانسب است؟</li> <li>۳) ده طاق عدان تریم به ترم و ترج»</li> <li>۳) ده طاق عدان راین به تمریم و ترج»</li> <li>۳) ده طاق عد آرش و ترمه آیمای آن یحیایه به ترمی می در داد تاست؟</li> <li>۳) دورو به تعریب آیمان راین به می گزدی و تیک آیترا به تریم و ترمی آیزم تریم درون می قرر داد تاست؟</li> <li>۳) در بندا آمد در در معامی به می می در و ترمی آیمایم به می در داد تاست؟</li> <li>۳) مرجد آیمایم در تریم نشد.</li> <li>۳) مرجد برایم در بازی می در در تایم در دار تاست؟</li> <li>۳) مرجد آیمند و در باین می در در تاست؟</li> <li>۳) در می ترم تریم در تریم در تریم در تریم می در داد تاست؟</li> <li>۳) در طاق تر را کامل می کنه؟</li> <li>۳) در می دان در در تایم در می تر تا می در تریم در داو شد به در تر تایم در تر تایم د</li></ul>	_	
<ul> <li>«اگرچه موارد راحات به جراحات ضمیر مکدر بود و چهره مورد آمال به خدشات احوال احداث مغیر، فی اهنا شرب و امراه روزگار گذرانید»</li> <li>۱) هرچند بارها آسایش او به سبب اندوه درون به هم خورده بود و صورتش مورد ضربههای بسیار قرار گرفته و خدشعاد شده بود و احوال جوانی او فکر کون شده بود یا نوشیدن شراب روزگار خود را سیری می کرد.</li> <li>۲) هرچند به سبب اندوه درون، آنفدر کف دست بر سینه خود زده بود که مجروح شده بود و صورتش که مخل معنی می کرد.</li> <li>۳) هرچند کا های مورد به سبب اندوه درون، گران شده بود و ترگر گذارنید.</li> <li>۳) هرچند کا های مورد به سبب اندوه درون کار افزه شم خوارده بود و چهره سرخ آرزوهایش به سبب اسیحهای تر سرخ بود با نشیدن شراب وزگار گذارنید.</li> <li>۳) هرچند گاهای مورد به سبب اندوه درون کار افزه شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادت پیایی این باروزگار گذارنید.</li> <li>۳) هرچند تر ایفتری می آرام و زنان زیبا روزگار گذارنید.</li> <li>۳) هرچند تر ایفتای میارت زیر مناسب است؟</li> <li>۳) هرچند تر ایفای تعمان برون می آورند و آن را به اطایفالحیل برورش گوناگون می دهدند تا آینه می شود.</li> <li>۳) مرچند تر ایفتای میارت زیر مناسب است؟</li> <li>۳) مرچند تر ایفای میارت زیر مناسب است؟</li> <li>۳) مرچند تر ایفتای اعدن برون می آورند و آن را به اطایفالحیل برورش گوناگون می دهدند تا آینه می شود.</li> <li>۳) مرچند تر ایفتای میزون می آورند و آن را به اطایفالحیل برورش گوناگون می دهدند تا آینه می شود.</li> <li>۳) مرچند تر آندان ایفای آینه این ایز می را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر برون می یاید و تورد و بریت معنی از آن تعمل بیرون می آید.</li> <li>۳) مرچند تر آند می می آن می می گذرید.</li> <li>۳) می را تعد می را تر می به قرار می می ترم و تورد ایفتای ایند می می ترم و تورد می می ترم می تورد می تورند ایفتی آن یحملیفی می ترم می می تعد و تورد ایفتی آن یحملیفید.</li> <li>۳) مرچند تر آیایش او بر شنای می ترد رون گری ترم می ترم و تورد بیا بیران را روزگار تورد ترم بردن می ترمزد می تورد ترم می تعد و تورد تا می ترم را توری و تورد بردن می ترم می ترم می تورد تا می می ترم می ترم را تورن می تورد تا می می ترم را توی ی ترم ترم می تورد تا مینی را ترم تورد تا می ترم ترم می تورد تا تورد تای ترم می ترم ترم می تورد تا می می ترم تر م</li></ul>	-91	کدام گزینه، با معنی عبارت زیر، نزدیکی بیشتری دارد؟
شرب و امراه روزگار گذرآنید» ۱) هرچند بارها آسایش او به سبب اندوه درون به هم خورده بود و صورتش مورد ضربههای بسیار قرار گرفته و خدشهدار شده بود و احوال جوانی او دگر گون شده بود، با نوشیدن شراب روزگار خود را سپری می کرد. ۲) هرچند به سبب اندوه درون، آنقد ر گف دست بر سینه خود زده بود که مجروح شده بود و صورتش که متل گل سرخ بود یا صدمه حوادت رنگ یاخته بود، در آشخوری گوارنده روزگار گذرانید. ۳) هرچند گاهای مورد به سبب اندوه درون تی زیار دورگار گذرانید. ۳) هرچند آشخورهای آرامش به زخم درون گل آلو شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادث پیایی ۳) هرچند آشخورهای آرامش به زخم درون گل آلو شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادث پیایی د گرگون شده بود در میان شراب و زنان زیبا روزگار گذرانید. ۳) مرچند آشخورهای آرامش به زخم درون وزگار گذرانید. ۳) مرچند آشخورهای آرامش به زخم درون وزگار گذرانید. ۳) که گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟ ۳) که گزینه برای آنهای عبارت زیر مناسب است؟ ۱) که طانا عند آلمنگسره قلوبَهُم من آجلی» ۳) که طان که می میاد: هیده ملکون کل شی» ۳) که طانا عند آلمند علی السمان و اکل قوم یو قبیل آبُوباً قانوبا» ۳) که طانا عذا آلمنانه علی السوان و الارض و الجال قوبار فعه صار حارس الد <u>جله</u> ۳) که طان گرفت از دانه علی السوان شد و اکل قوم یو آسمان قرب گی قانوبا» ۳) کارش بالا گرفت از در انه عد از به مقامی خوب و ارزشمند دست یافت. ۳) کارش مورد می طان کنون شد و زیدان شد و از به مقامی خوب و ارزشماد مینان شد. ۳) کارش مورد منان گون میه قرن افتاد. ۳) کارش بالا گرفت از باما می کنه؟ ۳) گرش بالا گرفت از باما می کنه؟ ۳) طرب اوتار بر ظلب اوتار شد و به خوب خورد ایسیا، فی می می شانه شد. ۳) کارش بالا گرفت د و زیدان شد و بر خون ایمهای خوب از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد. ۳) مرب اوتار بر ظلب اوتار بر خوب خود و خود خود ایمهای گذارد		
خدشددار شده بود و احوال جوانی او دگر گون شده بود. با نوشیدن شراب روزگار خود را سپری می کرد. ۲) هرچند به سبب اندوه درون، آنقدر کف دست بر سینه خود زده بود که مجروح شده بود و صورتش که مثل گل سرخ بود با صدمه حوادث رنگ باخته بود، در ابشخوری گوارنده روزگار گذرانید. ۲) هرچند گارهای مورد به سبب اندوه درونش تیره به نظرش می آمد و برگ گل سرخ آرزوها با سیلی حوادث بیایی بیایی پریز شده بود، در میان شراب و زنان زیبا روزگار گذرانید. ۲- کدا گرین شده بود در گوارنده زیبا آیش با زخم درون گل آلود شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادث بیایی درگرگون شده بود در گوارنده زیبا آینه وری روزگار گذرانید. ۲- کدا گرین برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟ ۲- کدا گرین برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟ ۱) که «انا عبدا آلمنگرسو فلویهٔیم من آجلی» ۲) که «انا عبدا آلمنگرسو فلویهٔیم من آجلی» ۲) که دانا عبدا آلمنگرسو فلویهٔیم من آجلی» ۲) که دانا عبدا آلمنگرس فلویهٔیم من آجلی» ۲) که دانا عبدا آلمند می فلویهٔیم من آجلی» ۲) که دانا عبدا آلمند می فلویهٔیم من آجلی» ۲) مورند و این اندام المی آلمند آن رفتها ۳) آن آلقدام التی شاهدت رفتها ۳) مورد و باین القدام التی شاهد در کدام گزینه درست است؟ ۲) مفوم عبارتهای مشخور می فرش افناد. ۳) مورد و بایند التی شاهدت رفتها ۳) مند و بایند و باین مراد و باین در مالی ترفری و الجبال فایین آن یحملتها» ۳) کارش بالا گرفت الاند می غزی به همامی در در عالی ترفری الجبال فروزش نمید دست یافت. ۳) کارش بالا گرفت از به دار عرش به فرش افناد. ۳) کارش بالا گرفت در باین در این شد. به در از ما می گذارد. ۳) کارش بالا گرفت در در عالی تری در معمان ترش شد. به میمان گذارد. ۳) کارش بالا گرفت در و باین در می می ترز در انعاد در اینی در نشد. ۳) کارش بالا گرفت در و باین در می می تران شد. بهمان بزدان شد. ۳) کارش بالا گرفت در و بایا مدار میمان شد. ۳) کارش بالا گرفت در و باین می می تران مدر و بایی گذارد. ۳) کارش بالا گرفت در و باین و قرول معمان می تران در منهی کاند. ۳) کارش بالو ای رو بر ای مام می می می ند و میمان ت		
<ul> <li>۲) هرچند به سبب اندوه درون، آنقدر کف دست بر سینه خود زده بود که مجروح شده بود و صورتش که مثل گل سرخ بود با صدمه حوادث رنگ باخته بود، در آبشخوری گوارنده روزگار گذرانید.</li> <li>۳) هرچند گارهای مورد به سبب اندوه درونش تیره به نظرش می آمد و برگ گل سرخ آرزوهایش به سبب آسیبهای پیایی پریر شده بود، در میان شراب و زنان زیبا روزگار گذرانید.</li> <li>۶) هرچند آبشخورهای آرامش به زخم درون گل آلود شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادث پیایی در منان شراب و زنان زیبا روزگار گذرانید.</li> <li>۶) هرچند آبشخورهای آرامش به زخم درون گل آلود شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادث پیایی در رئینا رازی گار گذرانید.</li> <li>۶) هرچند آبشغورهای آرامش به زخم درون گل آلود شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادث پیایی هرچند برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟</li> <li>۶) کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟</li> <li>۶) مرچند آلشگاری آلونگی رازگار گذرانید.</li> <li>۶) که هانا عبدان آمن این آین آین آین آین آن آن آن آن را به لطایفالحیل پرورش گوناگون می دهند تا آینه می شود.</li> <li>۶) مرچند با آرامند می آهن این آین آین آین آن آن آن را به تایی این تعریب آنوبا قانبوبا می آرد برینه می می آهای آن آینما آلیبا آن آیوبا قانبوبا که می آملی آی آی آی آی آی آی آی آی آی آیوبا قانبوبا»</li> <li>۲) می هراندای است هران گزینه درست است؟</li> <li>۳) که هانا عبدا آلمند می الیموان و الارش و الیبال قابین آن یحیلیها»</li> <li>۳) مرچند کارشده در کنام گزینه درست است؟</li> <li>۳) که هر تو می آبلی»</li> <li>۳) که هر توان آلمانه علی السوات و الارش و العال قابین آن یحیلیها»</li> <li>۳) می موداید آی می آینی آن یحیلیمای الیمان می آر و از مید در ست؟</li> <li>۳) مودود نیر در الیمای می آرد آین به آرد و این اینا آرام می خرد می آیند را برای آرام الیمای می آرد آی می آمد و آرای الیبا»</li> <li>۳) مرد را تا مای می مرد در کنا آیند و اینا میا آرام قرار و شیبان آی آروبا قانبوبا»</li> <li>۳) می می در زنان شد - از مین مین درست می می آروبا قانی آی الیمای آرار قرار قور می می آروبا قانی را آرام می کنه را با آی آران آی آی می آران آی را روزگار گذارد.</li> <li>۳) کارش بالا گرف در بای در در می می قران آی در می می آر قرار قانی آی الیمای آر آر آی می آران آید.</li> <li>۳) کارش</li></ul>		۱) هرچند بارها آسایش او به سبب اندوه درون به هم خورده بود و صورتش مورد ضربههای بسیار قرار گرفته
گل سرخ بود با صدمه حوادث رنگ باخته بود، در آیشخوری گوارنده روزگار گذرانید. ۲) هرچند گارهای مورد به سبب اندوه درونش تیره به نظرش میآمد و برگ گل سرخ آرزوهایش به سبب آسیبهای پاپی پرپر شده بود، در میان شراب و زنان زیبا روزگار گذرانید. ۲- دگرگون شده بود، در گوارندهترین آیشخوری روزگار گذرانید. ۶- کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟ ۶- کدام گزینه برای انتهای میارت زیر مناسب است؟ ۱) که هانا عبد الشکتره و اقرینی آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می اید ۶- می مراید: "پیده ملکوت کل شیم» ۲) که هانا عبد الشکتره و اقرینی آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می اید ۶- مفهوم عبارت این معدن آهن این آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می اید ۶- مفهوم عبارت های مشکوت کل شیم» ۲- مفهوم عبارت های مشخون دو ترفینه در معام تیم ۶- مفهوم عبارت های مشخون و تود آیندا این آین یُحیلیها» ۱) فوت کرد گرفتا الأمانه علی السموات و الأرض و الجال قایین آن یُحیلیها» ۲- مفهوم عبارت های مشخون دو تود تا بعدالعز والرفعه صار حارس الدجله» ۳ یکشت و خاست و انداد و بر شغل بود و نبود تا بعدالعز والرفعه صار حارس الدجله» ۲۰ یکدام مورد. متاز کدن یا یک به قامی خود و ایزدان شد. ۳ آنگه در معاطات گؤوس محامات نفوس را مهمل گذارد		خدشهدار شده بود و احوال جوانی او دگرگون شده بود، با نوشیدن شراب روزگار خود را سپری می کرد.
<ul> <li>۳) هرچند گلهای مورد به سبب اندوه درونش تیره به نظرش میآمد و برگ کل سرخ آرزوهایش به سبب آسیبهای پیلی پربر شده بود. در میان شراب و زنان زیبا روزگار گذرانید.</li> <li>۶) هرچند آبشخورهای آرامش به زخم درون گل آلود شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادت پیلیی درگرگون شده بود. در گوارندهترین آبشخوری روزگار گذرانید.</li> <li>۶- کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟</li> <li>۶- کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟</li> <li>۶- کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟</li> <li>۶- کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟</li> <li>۶- کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟</li> <li>۶- کدام گزینه برای انتهای میارد زیر مناسب است؟</li> <li>۶- کار گذرانید.</li> <li>۶- کدام گزینه برای انتهای میارت زیر مایند این آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون میاید وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون میاید اینک می فرماید: «یَده ملکوت کل شی»</li> <li>۲) که «انا عند آلمنکسره قلوبیم» می آجلی»</li> <li>۳) آن آلفناه التی شاهدت رفعتیها</li> <li>۳) آن آلفناه التی شاهدت رفعانهای می تر و لکل قوم یوم سر خدواندش در دول اسی ایز یا در ایل الدوله</li> <li>۳) آن آلفناه التی شاهدت رفعتیها</li> <li>۳) آن آلفناه التی شاهدت رفعت است؟</li> <li>۳) آن آلفناه التی شاهدت رفعتیه درست است؟</li> <li>۳) می «قارش در در دران شد - در زندان شد - باز به مقایی خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) کدر مورد می در در زندان شد - باز به مقایی خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) مشهور و بلندمریه شد - در زندان شد - باز به مقایی خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) می مورد میاز رود میان کرد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - در زندان شد - باز را ماه قل گذارد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت مد و نی در در می گذارد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت مد و بازی که درد و بیل زیر می گذران رود مدیند.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت می مماعند نفوس را مهمل گذارد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت را بیای در می خوب خورد و بیل زار ها فاز و نشیب، تگهبان زندان شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت مد و</li></ul>		۲) هرچند به سبب اندوه درون، آنقدر کف دست بر سینه خود زده بود که مجروح شده بود و صورتش که مث
یبایی بربر شده بود، در میان شراب و زنان زیبا روزگار گذرانید. ۴) هرچند آبشخورهای آرامش به زخم درون گل آلود شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادت پیایی دگرگون شده بود در گوارندهترین آبشخوری روزگار گذرانید. * میانکه در ابتدا آهن از معدن بیرون می آورند و آن را به لطایفالحیل پرورش گوناگون می دهند تا آینه می شود. وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می باید وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می باید آورد و به تربیت به مرتبه آینگی رسانیدن به تدریج و تدرّج» ۲) که «أنا عند المُنکسره قلوبُهُم بن آجلی» ۳) که «آنا عند المُنکسره قلوبُهُم بن آجلی» ۳) که «آنا عز المُن آلمانه علی السموات و الأرض و الجبال قابین أن یُحملنها» ۳) که «آنا عرضا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال قابین أن یُحملنها» ۳) که «آنا عرضا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال قابین أن یُحملنها» ۳) که «آنا عرضا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال قابین أن یُحملنها» ۳) که «آنا عرضا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال قابین أن یُحملنها» ۳) مفهوم عبارتهای مشخص شده در کدام گزینه درست است؟ ۳) که «آنا عرضا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال قابین أن یُحملنها» ۳) کارش بالا گرفت دو بر شغل بود و نبود تا <u>بعدالعز والرفعه صار حارس الدجله</u> ۳) کارش بالا گرفت داز بای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد. ۳) کارش بالا گرفت داز بای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد. ۳) کارش بالا گرفت داز بای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد. ۳) کارش بالا گرفت داز بای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ایزشن شدان شد. ۳) کارش بالا گرفت داز به عمل می دران هذان ایند؟ ۳) کارش بالا گرفت ماز بای می می در الوما فراز و نشیب، نگهبان زندان شد. ۳) کارش بالا گرفت داز بای می می در؟ ۳) کارش بالا گرفت ماز بی کاره می کند؟ ۳) کارش بالا گرفت داز به دو بخورد ـ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد. ۳) کار مواونار بو طلبا کؤوس خورد در سان بارها فراز و نشیب سیبینی ندن شد. ۳) می مورد بینان در بیاله می گردر. ۳) می مور و نیزان دانه و گرمس در باقی کرد. ۳) می مول و نواز باشد و گرمس در باقی کند. ۳) مول و و مول به شام بر بیگان هگر		گل سرخ بود با صدمه حوادث رنگ باخته بود، در آبشخوری گوارنده روزگار گذرانید.
<ul> <li>۴) هرچند آبشخورهای آرامش به زخم درون گل آلود شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادت پیابی دگرگون شده بود در گوارندهترین آبشخوری روزگار گذرانید.</li> <li>۶- کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟</li> <li>«چنانکه در ابندا آهن از معدن بیرون می آورند و آن را به لطایف الحیل پرورش گوناگون می دهند تا آینه می شود، وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می باید وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می باید وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می آورند و آن را به لطیف الحیل پرورش گوناگون می دهند تا آینه می شود، آورند و به تربیخ آریز ما بینی اینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می باید (بیده می نود نوع اینه آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می باید (بیده می نود نوع آینه آن آینه الت. (بیده می تواجی»</li> <li>۲) که «آنا عند آلمنگیره قلوبَهُم بن آجلی»</li> <li>۳) که «آنا عرضا الأمانه علی السوات و الأرض و الجال قابین آن یُحلینها»</li> <li>۳) که «آنا عَرضا الأمانه علی السوات و الأرض و الجال قابین آن یُحلینها»</li> <li>۳) منه و خلست و اعلی و به آسمان شد و لکل قوم یوم وخداوند شد باید اینه روز گار افوت کرد - گرفتار شد - از عنه معاری شد و لکل قوم یوم وخداونه و اینه این روز گار آر می می بود می آورن با الحله این روز گار آنه می در داره کدخدای غازی به آسمان شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی ازش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی ازش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی ازش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی ازش گماشته شد.</li> <li>۳) کدم مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) کدم مورد، بالو تار بر ایگاه سر را مهمل گذارد،</li></ul>		۳) هرچند گلهای مورد به سبب اندوه درونش تیره به نظرش میآمد و برگ گل سرخ آرزوهایش به سبب آسیبها
<ul> <li>دگرگون شده بود در گوازندهترین آبشخوری روزگار گذرانید.</li> <li>د) کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟</li> <li>«چنانکه در ابندا آهن از معدن بیرون می آورند و آن را به لطایفالحیل پرورش گوناگون می دهند تا آینه می شود.</li> <li>وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می باید وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می آورند و آن را به لطایفالحیل پرورش گوناگون می دهند تا آینه می شود.</li> <li>آورد و به تربیت به مرتبه آینگی رسانیدن به تدریج و تدرّج»</li> <li>۲) که «أنا عند المُنگسره قلوبُهُم بن أجلی»</li> <li>۳) که «أنا عند المُنگسره قلوبُهُم بن أجلی»</li> <li>۳) من آلمان آرمند آرفتتها تمود و الجرال قابین آن یُحملَنها»</li> <li>۳) که «آنا عَرْضنا الأمانه علی السوات و الأرض و الجبال قابین آن یُحملَنها»</li> <li>۳) که «آنا عَرْضنا الأمانه علی السوات و الأرض و الجبال قابین آن یُحملَنها»</li> <li>۳) منهم عبارتهای مشخص شده در کدام گزینه درست است؟</li> <li>۳) که «آنا عَرْضار شد – از به مقای شد و لکل قوم یوم و خداوندش در دلو شد در آسیای روزگار گذار مهمی شد - در زندان شد – باز به مقاید.</li> <li>۳) که شان گرفتار شد – از عرش به فرش افتاد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت – در زندان شد – باز به مقای خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت – در زندان شد – باز به مقای خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) کدم مهمی شد – در زندان شد – باز به مقای خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت – در زندان شد – باز به مقای دار در نشیب، تگیبان زندان شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمریه شد – فرید بخورد – پس از بارها فراز و نشیب، تگیبان زندان شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت – از یای درآمد – بعد از ارجمندی به کاری بی از می ماسته شد.</li> <li>۳) کدام مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) کدام مورد، مدن یندارد.</li> <li>۳) کرد معامات کؤوس مرام می گذارد»</li> <li>۳) کرم اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) عوب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) کرم کرون و به بی بیندارد.</li> <li>۳) کرم کرون یا بازه مرابی در باقی کند.</li> <li>۳) کرم کرون گراین در عباری در باقی کند.</li> <li>۳) کرم کرون یا</li></ul>		پیاپی پرپر شده بود، در میان شراب و زنان زیبا روزگار گذرانید.
<ul> <li>که کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟</li> <li>«چنانکه در ابتدا آهن از معدن بیرون می آورند و آن را به لطایفالحیل پرورش گوناگون می دهند تا آینه می شود.</li> <li>وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است. آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می باید آورد و به تربیت به مرتبه آینگی رسائیدن به تدریج و تدرّج»</li> <li>۲) که «أنا عند آستنگسره قلوبُهُم مِن أجلی»</li> <li>۳) که «أنا عند آستنگسره قلوبُهُم مِن أجلی»</li> <li>۳) که «آنا عند آستنگسره قلوبُهُم مِن أجلی»</li> <li>۳) که «آنا عزب المند» بیده ملکوت کلٌ شی»</li> <li>۳) که «آنا عزب المانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین آن یَحمِلتُها»</li> <li>۳) که «آنا عزب مناب المانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین آن یَحمِلتُها»</li> <li>۳) که «آنا عزب المانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین آن یَحمِلتُها»</li> <li>۳) که «آنا عزب المانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین آن یَحمِلتُها»</li> <li>۳) که «آنا عزب المانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین آن یَحمِلتُها»</li> <li>۳) که «آنا عزب المانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین آن یَحمِلتُها»</li> <li>۳) که «آنا عزب المانه علی السموات و الأرض و الجبال فابین آن یَحمِلتَها»</li> <li>۳) که «آنا عزب المانه علی السموات و الأرض و الرفعه صار حارس الدجله»</li> <li>۳) مفهوم عبارتهای مشد در زندان شد ـ باز به مقامی خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از یای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گمانه شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از یای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گمانه شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از یای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گمانه شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از یان درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گریند و شد.</li> <li>۳) کارش بال گرفت از از یاد می خود و این شیب بازی ها باز من شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از یای درآمد ـ بعد از ارجمدی نید .</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از یان درمد معمل گذارد</li></ul>		۴) هرچند آبشخورهای آرامش به زخم درون گلآلود شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادث پیاپ
<ul> <li>«چنانکه در ابتدا آهن از معدن بیرون می آورند و آن را به لطایفالحیل پرورش گوناگون میدهند تا آینه میشود، وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است، آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می باید آورد و به تربیت به مرتبه آینگی رسانیدن به تدریج و تدرّج»</li> <li>۲) که «أنا عند المُنکَسره قلوبَهُم من أجلی»</li> <li>۲) که «أنا عند المُنکَسره قلوبَهُم من أجلی»</li> <li>۳) که «أنا عند المُنکَسره قلوبَهُم من أجلی»</li> <li>۳) که «آنا عند المُنکَسره قلوبَهُم من أجلی»</li> <li>۳) که «آنا عند المُنکَسره قلوبَهُم من أجلی»</li> <li>۳) که «آنا عرّضا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَابینَ أن یُحمِلَنَها»</li> <li>۳) که «آنا عَرْضا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَابینَ أن یُحمِلَنَها»</li> <li>۳) که «آنا عَرْضا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَابینَ أن یُحمِلَنَها»</li> <li>۳) که «آنا عَرْضا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَابینَ أن یُحمِلَنَها»</li> <li>۳) که «آنا عَرْضا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَابینَ أن یُحمِلَنَها»</li> <li>۳) که «آنا عَرْضا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَابینَ أن یُحمِلَنَها»</li> <li>۳) که «آنا عرضا و فتاد و بر شغل بود و نبود تا بعدالعز والرفعه صار حارس الدجله»</li> <li>۳) کلرش بالا گرفت داز عد از عرش به فرش افتاد.</li> <li>۳) کلرش بالا گرفت داز یان درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش کماشته شد.</li> <li>۳) کلرش بالا گرفت داز یای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش کماشته شد.</li> <li>۳) کلرش بالا گرفت داز یان درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش کلمانه شد.</li> <li>۳) کلرم مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد ـ فریب خورد ـ پس از بارها فاز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) کلرم مورد، مین زیر را کلمی کند؟</li> <li>۳) کلرم مورد باین در باین ما مورد.</li> <li>۳) کلرم مورد، بین در معامان نفوس را مهمل گذارد</li></ul>		دگرگون شده بود در گوارندهترین آبشخوری روزگار گذرانید.
وجود انسان در بدایت معدن آهن این آیند است، آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون میباید. آورد و به تربیت به مرتبه آینگی رسانیدن به تدریج و تدرّج» (۱) که «أنا عند المُنکَسره قلوبُهُم من أجلی» (۳) إنَّ القناه التی شاهَدتَ رَفعَتَها (۳) که «أنا عزمانا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال قابین أن یَحملینها» (۳) مفهوم عبارتهای مشخصشده در کدام گزینه درست است؟ (۳) مفهوم عبارتهای مشخصشده در کدام گزینه درست است؟ (۳) مفهوم عبارتهای مشخصشده در کدام گزینه درست است؟ (۳) فوت کرد – گرفتار شد – از عرش به فرش افتاد. (۳) فوت کرد – گرفتار شد – از عرش به فرش افتاد. (۳) فوت کرد – گرفتار شد – از عرش به فرش افتاد. (۳) مشهور و بلندمرتبه شد – از عرش به فرش افتاد. (۳) مشهور و بلندمرتبه شد – از پای درآمد – بعد از ارجمندی به کاری بیارزش گماشته شد. (۳) کارش بالا گرفت – از پای درآمد – بعد از ارجمندی به کاری بیارزش گماشته شد. (۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد. (۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد. (۳) کارش بالا گرفت – از پای درآمد – بعد از ارجمندی به کاری بیارزش گماشته شد. (۳) کارش بالا گرفت – از پای درآمد – بعد از ارجمندی به کاری بیارزش گماشته شد. (۳) کار مورد، متن زیر را کامل می کند؟ (۳) کدام مورد، متن زیر را کامل می کند؟ (۳) حدام مورد، متن زیر را کامل می کند؟ (۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد. (۳) مورد، متن زیر را کامل می کند؟ (۳) کدام مورد، متن زیر را کامل می کند؟ (۳) مرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد. (۳) مرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد. (۳) مرب یون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند. (۳) معنینه در عبارت زیر وجود دارد؟ (۳) معنید. (۳) مهارت هنر و عزارت دانش اوست.) (۳) مهارت منر و غزارت دانش اوست.)	- <b>۶۹</b>	<b>کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟</b>
آورد و به تربیت به مرتبه آینگی رسانیدن به تدریج و تدرّج» ۱) که «آنا عند المُنکَسره قلوبُهُم مِن أجلی» ۳) چنانکه می فرماید: «بَیده ملکوت کلَّ شی» ۳) أنُ القناه التی شاهدت رفعَتَها ۴) که «آنا عَرضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَأبینَ أن یَحیلیَها» ۴) که هرآنا عَرضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَأبینَ أن یَحیلیَها» ۳) که هرآنا عَرضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَأبینَ أن یَحیلیَها» ۳) که هرآنا عرضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَأبینَ أن یَحیلیَها» ۳) که هرآنا عرضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَأبینَ أن یَحیلیَها» ۳) مفهوم عبارتهای مشخصشده در کدام گزینه درست است؟ ۱) فوت کرد ـ گرفتار شد ـ از عرش به فرش افتاد. ۳) کارش بالا گرفت ـ از یای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی]رزش گماشته شد. ۳) کارش بالا گرفت ـ از یای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی]رزش گماشته شد. ۳) کارش بالا گرفت ـ از یای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی]رزش گماشته شد. ۳) کارش بالا گرفت ـ از یای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی]رزش گماشته شد. ۱) نواله حسام را یباله مدام یندارد. ۳) کارش بالا گرفت ـ از یای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی]رزش گماشته شد. ۳) مهور و بلندمرته شد ـ فریب خورد ـ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد. ۳) مورد متن زیر را کامل می کند؟ ۳) عرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد. ۳) بازله در معاطات کؤوس محامات نفوس را مهمل گذارد		«چنانکه در ابتدا آهن از معدن بیرون میآورند و آن را به لطایفالحیل پرورش گوناگون میدهند تا آینه میشو
<ul> <li>۱) که «أنا عند المُنکَسره قلوبُهُم مِن أجلی»</li> <li>۲) چنانکه مَیفرماید: «بِیْده ملکوت کلِّ شیء»</li> <li>۳) أنُ القناه التی شاهدت رفعَتَها تنمو و تنبِت أنبُوباً فانبوبا»</li> <li>۳) أنُ القناه التی شاهدت رفعَتَها تنمو و الارض و الجبال فابین أن یَحیلیَها»</li> <li>۳) که «آتا عرضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فابین أن یَحیلیَها»</li> <li>۳) که هآتا عرضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فابین أن یَحیلیَها»</li> <li>۳) مفهوم عبارتهای مشخص شده در کدام گزینه درست است؟</li> <li>۳) مفهوم عبارتهای مشخص شده در کدام گزینه درست است؟</li> <li>۳) مفهوم عبارتهای مشخص شده در کدام گزینه درست است؟</li> <li>۳) مفهوم عبارتهای مشخص شده در کدام گزینه درست است؟</li> <li>۳) مو صعید صراف کدخدای غازی به آسمان شد و لکل قوم یوم وخداوندش در دلو شد در آسیای روزگار بیکشت و خاست و افتاد و بر شغل بود و نبود تا بعدالعز والرفعه صار حارس الدجله»</li> <li>۳) افوت کرد - گرفتار شد - از عرش به فرش افتاد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بیارزش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بیارزش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بیارزش گماشته شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد - فریب خورد - پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد - فریب خورد - پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بیارزش گماشته شد.</li> <li>۳) کدام مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) عرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) غرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) غرب وعود دارد؟</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) غرب و عزاب زیر و باله یا می بر عنرات.</li> <li>۳) حرم گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>۳) عرب قرارت دانش اوست.»</li> <li>۳) عرب اعمان بر عنانه و عزارت دانش و عزان باشد و مکاشحت او به مکافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهدررات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.</li> <li>۳) زیر ترید و غزارت دانش اوست.</li> <th></th><td>وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است، آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون میبای</td></ul>		وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است، آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون میبای
<ul> <li>۲) چنانکه می فرماید: «یید ملکوت کل شیء»</li> <li>۳) أن القناه التی شاهدت رفعتها</li> <li>۳) که «آنا عَرَضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین أن یَحمِلتَها»</li> <li>۳) که «آنا عَرَضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین أن یَحمِلتَها»</li> <li>۳) که «آنا عَرَضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین أن یَحمِلتَها»</li> <li>۳) که «آنا عَرَضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین أن یَحمِلتَها»</li> <li>۳) که «آنا عَرَضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین أن یَحمِلتَها»</li> <li>۳) که «آنا عرضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الحل قوم یوم وخداوندش <u>در دلو شد</u> در آسیای روزگار بعثست و خلست و اصلت و اعداد و بر شغل بود و نبود تا بعدالعز والرفعه صار حارس الدجله»</li> <li>۳) فوت کرد - گرفتار شد - از عرش به فرش افتاد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد - فریب خورد - پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد - فریب خورد - پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مروره متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) مروره متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) طرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) طرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) عرب و عنوب مرد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) عرب و عنوب را نازی در باقی کند.</li> <li>۳) عرب و قرارت دانش اوست.»</li> <li>۳) عول عقل گسیختن معولی می دوارت دانش اوست.</li> </ul>		
<ul> <li>۳) أن القناه التى شاهَدت رفعَتَها مُد المراح و الجال فأبين أن يُحمِلنَها»</li> <li>۶) كه «أنا عَرَضنا الأمانه على السموات و الأرض و الجبال فأبين أن يُحمِلنَها»</li> <li>۶) كه «أنا عرَضنا الأمانه على السموات و الأرض و الجبال فأبين أن يُحمِلنَها»</li> <li>۶) مفهوم عبارتهاى مشخص شده در كدام گزينه درست است؟</li> <li>۶) مفهوم عبارتهاى مشخص شده در كدام گزينه درست است؟</li> <li>۶) مغرف خالف عازى به آسمان شد و لكل قوم يوم وخداوندش <u>در دلو شد</u> در آسياى روزگار بيكت و خاست و افتاد و بر شغل بود و نبود تا <u>بعدالعز والرفعه صار حارس الدجله</u>»</li> <li>۶) أوت كرد – گرفتار شد – از عرش به فرش افتاد.</li> <li>۳) كارش بالا گرفت – از پاى درآمد – بعد از ارجمندى به كارى بي ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) كارش بالا گرفت – از پاى درآمد – بعد از ارجمندى به كارى بي ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) كارش بالا گرفت – از پاى درآمد – بعد از ارجمندى به كارى بي ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) كارش بالا گرفت – از پاى درآمد – بعد از ارجمندى به كارى بي ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) كارش بالا گرفت – از پاى درآمد – بعد از ارجمندى به كارى بي ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) كارش بالا گرفت – از پاى درآمد – بعد از ارجمندى به كارى بي ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) كارش و بلندمرتبه شد – فريب خورد – پس از بارها فراز و نشيب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فريب خورد – پس از بارها فراز و نشيب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مورد، متن زير را كامل مىكند؟</li> <li>۳) مورد موز بر كامل مىكند؟</li> <li>۳) مورد موز بر كامل مىكند؟</li> <li>۳) بيش از وصول به شام بر بيگانه سحر خورد.</li> <li>۳) پيش از وصول به شام بر بيگانه سحر خورد.</li> <li>۳) پيش از وصول به شام بر بيگانه سحر خورد.</li> <li>۳) پيش از وصول به شام بر بيگانه سحر خورد.</li> <li>۳) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسرى در باقى كند.</li> <li>۳) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسرى در باقى كند.</li> <li>۳) حمام زا پياله مدام دوردان</li> <li>۳) مغربان در معابات درمان برد و مكاشحت او به مكافحت انجاميد و پنداشت كه سبب اغماض بر عثرات مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.</li> <li>۳) مهذرات او مهارت هر و غزارت دانش اوست.</li> </ul>		۱) که «أنا عِندَ المُنكَسِرِه قلوبُهُم مِن أُجلى»
<ul> <li>۲) که «آنا عُرَضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فَأَبِینَ أَن یَحَمِلَنَها»</li> <li>۲- مفهوم عبارتهای مشخص شده در کدام گزینه درست است؟</li> <li>۳ « و سعید صراف کدخدای غازی <u>به آسمان شد و</u> لکل قوم یوم وخداوندش <u>در دلو شد</u> در آسیای روزگار بگشت و خاست و افتاد و بر شغل بود و نبود تا <u>بعدالعز والرفعه صار حارس الدجله</u>»</li> <li>۲) فوت کرد – گرفتار شد – از عرش به فرش افتاد.</li> <li>۲) آدم مهمی شد – در زندان شد – باز به مقامی خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت – از پای درآمد – بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت – از پای درآمد – بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) می مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) میشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) می مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) می شور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) مورد می از و سامات نفوس را مهمل گذارد،</li></ul>		۲) چنانکه می فرماید: «بِیَده ملکوتُ کلِّ شیءٍ»
<ul> <li>مفهوم عبارتهای مشخص شده در کدام گزینه درست است؟</li> <li>«و سعید صراف کدخدای غازی به آسمان شد و لکل قوم یوم وخداوندش در دلو شد در آسیای روزگار بیکست و خاست و افتاد و بر شغل بود و نبود تا <u>بعدالعز والرفعه صار حارس الدجله</u>»</li> <li>۱) فوت کرد ـ گرفتار شد ـ از عرش به فرش افتاد.</li> <li>۲) آدم مهمی شد ـ در زندان شد ـ باز به مقامی خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از پای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از پای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از پای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از پای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) منهور و بلندمرتبه شد ـ فریب خورد ـ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) منهور و بلندمرتبه شد ـ فریب خورد ـ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) منهور و بلندمرتبه شد ـ فریب خورد ـ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) کدام مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) نتیکه در معاطات کؤوس محامات نفوس را مهمل گذارد،</li></ul>		
<ul> <li>«و سعید صراف کدخدای غازی <u>به آسمان شد</u> و لکل قوم یوم وخداوندش <u>در دلو شد</u> در آسیای روزگار بگشت و خاست و افتاد و بر شغل بود و نبود تا <u>بعدالعز والرفعه صار حارس الدجله</u>»</li> <li>۱) فوت کرد ـ گرفتار شد ـ از عرش به فرش افتاد.</li> <li>۲) آدم مهمی شد ـ در زندان شد ـ باز به مقامی خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از پای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت ـ از پای درآمد ـ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد ـ فریب خورد ـ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد ـ فریب خورد ـ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) کدام مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>۳) ناوله حسام را پیاله مدام پندارد.</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>۳) مشهور و بنداشت با واتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) میش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) میش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) معارت زیر وجود دارد؟</li> <li>۳) معرز از معارت زیر و معارت دارد.</li> <li>۳) معرز از و معارت زیر و معارت دارد.</li> <li>۳) معرز از معار بر علیا اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) معرز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) معرز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) معرز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) معرز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) معرز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) معرز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) معرز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) معرز از معرز و مورد باز معرز معرز معرز از معرز معرز معرز معرز معرز معرز معرز معر</li></ul>		
بگشت و خاست و افتاد و بر شغل بود و نبود تا <u>بعدالعز والرفّعه صار حارس الدجله</u> » () فوت کرد _ گرفتار شد _ از عرش به فرش افتاد. ۲) آدم مهمی شد _ در زندان شد _ باز به مقامی خوب و ارزشمند دست یافت. ۳) کارش بالا گرفت _ از پای درآمد _ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد. ۴) مشهور و بلندمرتبه شد _ فریب خورد _ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد. ۴) مشهور و بلندمرتبه شد _ فریب خورد _ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد. ۴) مقرور ه بلندمرتبه شد _ فریب خورد _ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد. ۴) مورد، متن زیر را کامل می کند؟ ۳) کام مورد، متن زیر را کامل می کند؟ ۴) نواله حسام را پیاله مدام پندارد. ۴) طرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد. ۴) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد. ۴) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند. ۴) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند. ۴) حدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟ ۴) حمام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟ ۴) مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست. ۱) ژاژدراییدن	-Y•	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·
<ul> <li>۱) فوت کرد – گرفتار شد – از عرش به فرش افتاد.</li> <li>۲) آدم مهمی شد – در زندان شد – باز به مقامی خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت – از پای درآمد – بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۴) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۴) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) مشهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) منهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) منهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) منهور و بلندمرتبه شد – فریب خورد – پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳) منها رو باله مدام پندارد.</li> <li>۳) برب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) بیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.</li> <li>۳) زاژدراییدن</li> <li>۱) ژاژدراییدن</li> </ul>		
<ul> <li>۲) آدم مهمی شد _ در زندان شد _ باز به مقامی خوب و ارزشمند دست یافت.</li> <li>۳) کارش بالا گرفت _ از پای درآمد _ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۴) مشهور و بلندمرتبه شد _ فریب خورد _ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۳- کدام مورد، متن زیر را کامل میکند؟</li> <li>۳- کدام مورد، متن زیر را کامل میکند؟</li> <li>۳) نواله حسام را پیاله مدام پندارد.</li> <li>۳) فراب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) غرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) مخالت که سبب اغماض بر عثرات می مترات را با می کند.</li> <li>۳) مراز از معار از با معاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) مراز از ومول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) مراز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) مراز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) مراز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) مراز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) مراز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) مراز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) مراز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) مراز از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) مرزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>۳) می مرزین از میاز و میازیت دانش اوست.</li> <li>۳) می در از می دانش اوست.</li> <li>۳) مرزد از میازی دانش اوست.</li> </ul>		
<ul> <li>۳) کارش بالا گرفت _ از پای درآمد _ بعد از ارجمندی به کاری بی ارزش گماشته شد.</li> <li>۴) مشهور و بلندمرتبه شد _ فریب خورد _ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۲- کدام مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>«آنکه در معاطات گؤوس محامات نفوس را مهمل گذارد،»</li> <li>۱) نواله حسام را پیاله مدام پندارد.</li> <li>۲) طرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۹) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) چون عقاب مراح اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) معاد را بیاله مدام پندارد.</li> <li>۳) مرب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) مرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) مرب اوتار بر علیا منام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) مرب اوتار بر علیا ونار ترجیح نهد.</li> <li>۳) مرب اوتار مطلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) مرب اوتار مطلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) مرب اوتار بر علیا منام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۳) مرب اوتار بر این باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) معاد روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۳) معاد روان باشد و مکاشحت او به مکافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهدرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.</li> <li>۳) ژاژدراییدن</li> </ul>		
<ul> <li>۴) مشهور و بلندمرتبه شد _ فریب خورد _ پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.</li> <li>۲- کدام مورد، متن زیر را کامل میکند؟</li> <li>«آنکه در معاطات کؤوس محامات نفوس را مهمل گذارد،»</li> <li>۱) نواله حسام را پیاله مدام پندارد.</li> <li>۲) طرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۴) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۲- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>۳- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>۳- مخالبت در سخن به مبالغت رسانید و مکاشحت او به مکافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.»</li> <li>۳) ژاژدراییدن</li> </ul>		
<ul> <li>کدام مورد، متن زیر را کامل می کند؟</li> <li>«آنکه در معاطات کؤوس محامات نفوس را مهمل گذارد،»</li> <li>۱) نواله حسام را پیاله مدام پندارد.</li> <li>۲) طرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۹) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۲- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>۳- کدام گزینه در عبارت از می کند.</li> </ul>		
<ul> <li>«آنکه در معاطات کؤوس محامات نفوس را مهمل گذارد،»</li> <li>(۱) نواله حسام را پیاله مدام پندارد.</li> <li>۲) طرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۹) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۲- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>۸- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست»</li> <li>۱) ژاژدراییدن</li> <li>۱) ژاژدراییدن</li> </ul>		
<ul> <li>۱) نواله حسام را پیاله مدام پندارد.</li> <li>۲) طرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۴) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۲- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>«مغالبت در سخن به مبالغت رسانید و مکاشحت او به مکافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.»</li> <li>۱) ژاژدراییدن</li> <li>۱) ژاژدراییدن</li> </ul>	-71	•••••••••••••••••••••••••••••••••••••••
<ul> <li>۲) طرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.</li> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۴) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۲- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>«مغالبت در سخن به مبالغت رسانید و مکاشحت او به مکافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.»</li> <li>۱) ژاژدراییدن</li> <li>۱) ژاژدراییدن</li> </ul>		
<ul> <li>۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.</li> <li>۴) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۲- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>«مغالبت در سخن به مبالغت رسانید و مکاشحت او به مکافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.»</li> <li>۱) ژاژدراییدن</li> </ul>		
<ul> <li>۴) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرمسری در باقی کند.</li> <li>۲- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>«مغالبت در سخن به مبالغت رسانید و مکاشحت او به مکافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.»</li> <li>۱) ژاژدراییدن</li> </ul>		
<ul> <li>۲- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟</li> <li>«مغالبت در سخن به مبالغت رسانید و مکاشحت او به مکافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.»</li> <li>۱) ژاژدراییدن</li> </ul>		
«مغالبت در سخن به مبالغت رسانید و مکاشحت او به مکافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.» ۱) ژاژدراییدن		
مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.» ۱) ژاژدراییدن	-77	
۱) ژاژدراییدن ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲		
۳) مقام تحرز نشناختن ۲۰۰۰ ۲۰ (۲۰۰۰ ۲۰) دوستی به دشمنی منتهی شدن		
		۳) مقام تحرز نشناختن ۲ ۲) دوستی به دشمنی منتهی شدن

Telegram: @uni\_k

-7٣	کدام مورد، متن زیر را کامل میکند؟	
		ت ترتیب کرده در تجویف اول از دماغ که ».
	۱) آن را ذاکره نیز خوانند و او قوتی است که آنچه	
		كديگر تركيب كند و از يكديگر جدا كند به اختيار انديشه.
		وسات جزئی چون آن قوتی که بزغاله فرق کند میان مادر
	خویش و گرگ.	
	۴) قابل است به ذات خویش مر جمله صورتها ر	حواس ظاهر قبول کرده باشند و محسوس آنگاه محسوس
	شود که او قبول کند.	
-74	معنی واژههای مشخصشده چیست؟	
		،ر تمرد و تجلد زیادت میکند و میپندارد که ضراعت و
	استکانت از غلبه فضایل اوست.»	
	 ۱) رشوہ دادن _ غرور _ نژاد برتر داشتن	۲) مهربانی ـ غرور ـ قدرتمندی
	۳) چاپلوسی ـ سرکشی ـ فروتنی	۴) چاپلوسی _ سرکشی _ مقام والا داشتن
۵۷–	مفهوم عبارت زیر چیست؟	
		عظامیه ضمبودی و در بعضی احوال صحو و سکر اظها
	آثار لوم و دنائت نکردی او را عدیمالنظیر شایست	
	۱) هنر داشت اما اصل و نسب نداشت.	
	۲) اصل و نسب داشت اما هنری نداشت.	
	۳) پاکدامن بود اما در کار استخوان خرد نکرده بود	نجربه بود)
	<ul> <li>۴) بزرگ بود اما در بادهنوشی افراط می کرد و در .</li> </ul>	
-76	این عبارت مؤلف مرزباننامه، در توصیف کدام کت	
		وایع کلمات و نکات مشحون است. لطف از متانت در آویخ
	و جزالت با سلاست آمیخته»	
	۱) عتبهالکتبه	۲) التوسل الى الترسل
	۳) دستور الكاتب في تعيين المراتب	۴) دستور دبیری
-77	با توجه به معیارهای اخلاق فلسفی، کدام گزینه ب	املکردن عبارت زیر، مناسب تر است؟
	«شجاع بحقیقت آن بود که»	
	۱) به عذاب و نکال و مثله رضایت دهد تا اسم و ذ	میان ابنای جنس باقی و شایع گرداند.
	۲) حذر او از ارتکاب امری قبیح زیادت از حذر او ب	
	۳) خویشتن را در ورطههای مخوف اندازد و مرگ	
	۴) بر مباشرت حروب و رکوب اهوال قیام نماید.	-
-78	كدام مورد، مفهوم ضربالمثل «اذا اعشَبْتَ فانزِل	ربر دارد؟
	<ol> <li>۱) با همت باز باش و با رای پلنگ</li> </ol>	زيبا به گه شکار، پيروز به جنگ
	۲) اذا ما کنتَ في امر مَروم	فلا تُقنّع بما دون النجوم
	۳) و اذا انتهیت الی السلا	مت في مَداك فلا تُجاوز
	۴) مرا شربتی از پس بدسگال	بود خوشتر از عمر هفتاد سال
	۲) مرا شربتی از پس بدسکال	بود حوشتر از عمر هفتاد سال

801A

صفحه ۱۵	801A	زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)
		۷۹- کدام مورد، در ارتباط با متن زیر است؟
ذخاير روز حاجت	یعنی اعوان صدق و اخوان صفا که وجود ایشان از	«گفتهاند انّ الذلیلَ الذی لیست له عضد
ی میکنند با پیکر	نیش پشهٔ چند که چون به توازر و تعاون دستیکے	باشد و از عواصم زخم آفت و بنگر که از
		پیل و هیکل گاومیش چه میرود.»
ن قدیمُها	٢) خيرُ الاشياء جديدُها و خيرُ الإخوا	<ol> <li>و لا عدا الوابلُ مَغناكُم</li> </ol>
	۴) تأبی القداحُ اذا جُمِعنَ تکسّرا	٣) و أمرُك عالٍ صاعدٌ كصعودهِ
		۸۰ - کدام مورد، عبارت زیر را کامل میکند؟
«.	و در روزبازار معرکه ارواح را من یزید کردی	« (بهرام گور) در جایی که دلال شمشیر ا
		۱) متاع حیات عظیم ارزان بودی
		۲) مواد زحمت اعدا را مندفع کردی
	ود نیارستی زد	۳) رستم دستان پیش او داستان مردی خ
	، جهان فسوس کردی	۴) در خصمشکنی و دشمنفکنی بر مردان